

کتاب یوئیل اور لاؤدیکائی ساتویں دن کی ایڈونٹسٹ کلیسیا — شماره سات

Jeff Pippenger

2025-12-09

شماره هفت

در چند مقاله نخست، آن بخش از کتاب آرزوی اعصار را گنجاندیم که در آن، مسیح دربارهٔ مثل تاکستان برای یهودیان جدل گر سخن می‌گوید. مثل سرود تاکستان، همان سرود موسی و بره نیز هست، که یک صد و چهل و چهار هزار آن را می‌سرایند؛ و الهام به ما می‌آموزد که «سرود» در نبوت، نمایانگر «تجربه» است. یک صد و چهل و چهار هزار، بره را هر جا که برود پیروی می‌کنند؛ از این رو، همان تجربه‌ای را از سر خواهند گذراند که مسیح و موسی از سر گذراندند. مسیح، به عنوان امگای تاریخ نبوی اسرائیل باستان، و موسی، به عنوان آلفای تاریخ نبوی اسرائیل باستان، هر دو در ادوار متوازی زیستند؛ ادواری که در آن، قومی از اهل عهد پیشین کنار گذاشته می‌شدند و در همان حال، قومی از اهل عهد جدید برگزیده می‌شدند. آن یک صد و چهل و چهار هزار، سرود موسی و بره را با آزمودن تاریخی می‌سرایند که در آن، قومی از اهل عهد پیشین کنار گذاشته می‌شوند—در حالی که خداوند با قوم نهایی عهد خویش داخل عهد می‌شود.

نویا، عندما كان المسيح يقدم المثل، فإن ذلك يتوافق مع مخاطبة بطرس لليهود المماحكين يوم الخمسين. وفي الأزمة الأخيرة، فإن تقديم يسوع للمثل لليهود المماحكين يمثل أولئك الذين يمشون نشيد الكرم لسكاري أفرام. وكان بطرس يقدم النشيد نفسه يوم الخمسين، إلا أنه كان ينشده على مقام يوئيل. إن نشيد الكرم هو نشيد شعب عهد سابق يطلق في الوقت نفسه الذي يرف فيه إلى الرب شعب عهد جديد. أما العذارى اللواتي خاب أملهن ودخلن في زمن الإبطاء، فكن ينتظرن العرس، ويكون الإتمام الكامل لذلك أنهن ينتظرن ختم المئة والأربعة والأربعين ألفاً.

کتاب یوئیل در فصل نخست خود با توصیف این امر آغاز می‌شود که چگونه تاکستان خدا به وسیلهٔ می‌گساران و نوشندگان شراب تند نابود شده است؛ همانان که «شیره تازه» از دهانشان بریده شده بود. به محض آن‌که عیسی یهودیان را آگاه ساخت که پادشاهی از ایشان گرفته خواهد شد و به جماعتی از باغبانان سپرده می‌شود که ثمرات راستین تاکستان را به بار خواهند آورد، عیسی مسیر سخن را دگرگون کرد و به سنگ زاویه در هیکل اشاره نمود که کنار نهاده شده بود، اما مقدر بود که سنگ سر زاویه گردد. آنچه در آغاز رخ داده بود، در پایان تکرار می‌شد، و هنگامی که این حقیقت بیان می‌شود، به صورت امری «شگفت‌انگیز» بازنمایی می‌گردد.

قاعدهٔ «نخستین ذکر» در کلام خدا به ما می‌آموزد که چون یوئیل نخست به ویرانی تاکستان می‌پردازد، این محور اصلی شهادت اوست. یوئیل در این امر تنها نیست، زیرا هر نبی بزرگ، شهادت خود را با پرداختن به گناهان و وضعیت گمشده اسرائیل آغاز می‌کند.

در اشعیا بیست و هشت، «مردان استهزاکننده‌ای که» بر «اورشلیم» «حکمرانی می‌کنند» به عنوان «میگساران افرام» و نیز به عنوان «تاج تکبر» به تصویر کشیده شده‌اند. «تاج» نمایانگر رهبری است و «تکبر» نمایانگر سرشتی شیطانی است.

عے نوشوں کا مقابلہ اُس بقیہ («residue») سے کیا گیا ہے جو خدا کے «crown» یعنی جلال کا تاج بن جاتے ہیں، کیونکہ اخیر کی بارش کے دوران خداوند اپنی «glory» of glory قائم کرتا ہے، جیسا کہ اُس نے

صلیب پر «grace» of grace قائم کر کے اُس کی تمثیل پیش کی۔ صلیب پر فضل کی بادشاہی، اتوار کے قانون کے وقت جلال کی بادشاہی کی تمثیل ہے۔

باران آخر در ۹/۱۱ آغاز شد، ہنگامی کہ مہر شدن صد و چهل و چهار هزار و نیز داوری زندگان نیز شروع گردید۔ در زمان مہر شدن، افاضہ روح القدس در ۹/۱۱ آغاز شد، چنان کہ عیسی چند قطرہ دمید۔ این بنیاد است؛ و افاضہ روح القدس در فریاد نیمہ شب، سنگِ سر بناست۔ «شگفت‌انگیز» نمادی از دورہ افاضہ روح از «۹/۱۱ تا قانون یکشنبہ» است۔

نمادپردازی موازی، اما متضاد «تاج» کہ نمایانگر رھبری است، در روایت اشعیا بیست و ہشت بیان شدہ است؛ آن گاہ کہ میگساران حاکم بر اورشلیم کنار گذاشتہ می شوند و رھبری کلیسای خدا بہ باقی ماندگان سپردہ می شود۔ این امر مثل تاکستان را بہ تصویر می کشد۔ تاج میگسار برداشتہ می شود و سپس آن صد و چهل و چهار ہزار، تاجی می گردند کہ نمایانگر پادشاہی مسیح است۔ اشعیا ہمین حقیقت را در باب بیست و دو نیز تعلیم می دہد، ہنگامی کہ شبنا بہ سرزمینی دور افکنده می شود و ایلاقیم جای او را می گیرد۔ خواہ میگساران افرایم باشند و خواہ شبنا در باب بیست و دو، ہر دو نمایانگر کنار گذاشتہ شدن رھبری قوم عہد پیشین خدا ہستند۔

زکریا فتح مندانه داخلہ کی شناخت کرتا ہے، جو نصف اللیل کی پکار بھی ہے، اور اس کے بعد آنے والی آیات یسعیاہ کے ساتھ موافقت رکھتے ہوئے خدا کے لوگوں کو ایک تاج قرار دیتی ہیں۔

بسیار شادی کن، ای دختر صہیون؛ بانگ شادمانی برآور، ای دختر اورشلیم؛ اینک پادشاہ تو نزد تو می آید؛ او عادل است و صاحب نجات؛ حلیم است و بر الاغی سوار، و بر کرہ، یعنی بچہ الاغ۔ و من اراہہ را از افرایم، و اسب را از اورشلیم منقطع خواہم ساخت، و کمان جنگی بریدہ خواہد شد؛ و او با امت ہا از صلح سخن خواہد گفت؛ و سلطنت او از دریا تا دریا، و از نہر تا اقصای زمین خواہد بود۔

در مورد تو نیز، بہ سبب خون عہد تو، اسیرانت را از چاہی کہ در آن آب نیست، بیرون فرستادہ ام۔

بہ دژ استوار بازگردید، ای اسیران امید؛ ہم امروز اعلام می کنم کہ بہ تو دو چندان بازخواہم گردانید؛ آنگاہ کہ یھودا را برای خویش چون کمان خم کردہ باشم، و کمان را با افرایم پر ساختہ باشم، و پسرانت را، ای صہیون، بر ضد پسرانت، ای یونان، برانگیختہ باشم، و تو را ہمچون شمشیر مردی زورآور ساختہ باشم۔

اور خداوند بر فراز ایشان ظاہر خواہد شد، و تیر او ہمچون برق بیرون خواہد جَست؛ و یھوہ خداوند کرنا را خواہد نواخت، و با گردبادہای جنوب پیش خواہد رفت۔ یھوہ صباوت از ایشان دفاع خواہد کرد؛ و ایشان فرو خواہند خورد و با سنگ ہای فلاخن مغلوب خواہند ساخت؛ و خواہند نوشید و ہمچون کسانی کہ از شراب اند، غوغا برپا خواہند کرد؛ و مانند کاسہ ہا، و ہمچون گوشہ ہای مذبح، لبریز خواہند شد۔ و یھوہ خدای ایشان، در آن روز ایشان را ہمچون گلہ قوم خویش نجات خواہد داد؛ زیرا ایشان چون سنگ ہای تاج خواہند بود کہ بر زمین او چون علّمی افراشتہ می شوند۔ زیرا نیکویی او چہ عظیم است، و جمال او چہ عظیم! گندم جوانان را شاداب خواہد ساخت، و شراب نو دوشیزگان را۔ زکریا ۹:۹-۱۷۔

آیہ یازدہ (9/11) می گوید: «و تو نیز، بہ سبب خون عہدت، اسیرانت را از چاہی کہ در آن آبی نیست، بیرون فرستادہ ام۔» مسیح عہد را با بسیاری برای یک ہفتہ استوار ساخت، و آن ہفتہ با تعمید او آغاز شد۔ مسیح بہ مدت سہ سال و نیم در میان مردمان گام برداشت، و در بخش پایانی آن سہ سال و نیم، پیشگویی زکریا را در شناسایی ورود پیروزمندانہ مسیحا بہ اورشلیم بہ انجام رسانید۔ فریاد نیمہ شب دورہ ای را آغاز کرد کہ بہ مرگ، دفن و قیام مسیح انجامید۔ تعمید مسیح نمایانگر مرگ، دفن و قیام

اوست؛ بنابراین، آغاز و پایان دورہٴ سہ سال و نیم یکسان است.

تعمید مسیح نمونہ 9/11 ہے، اور 9/11 ایک ایسے دور کے آغاز کی نشان دہی کرتا ہے جو اتوار کے قانون پر ختم ہوتا ہے۔ 9/11 پر بارشِ اخیر نے پھوار کی صورت میں شروع ہونا آغاز کیا، اور اتوار کے قانون پر وہ بے پیمانہ انڈیلی جاتی ہے، جیسا کہ اس کی تمثیل اس امر میں پائی جاتی ہے کہ مسیح نے پینتیکست کے موقع پر ہونے والے انڈیلاؤ سے پیشتر، شاگردوں پر بارش کے چند قطرے بطور پیشگی اُن پر پھونکے۔

زکریا 9:11 کے ساتھ بھی مطابقت رکھتی ہے، اور نیز اُس نیم شب کی پکار کے ساتھ جو اتوار کے قانون تک لے جاتی ہے۔ 9/11 پر لاؤدیقیہ کا پیغام، حال کی سچائی کے طور پر، اسی طرح پہنچا جیسے 1856 اور 1888 میں پہنچا تھا۔ لاؤدیقیہ کا پیغام اُن لوگوں کو دیا جاتا ہے جو اس بات سے خبر ہیں کہ وہ مردہ ہیں۔ وہ ایک ”گڑھے“ میں ہیں جہاں پچھلی بارش کا کوئی پیغام نہیں، کیونکہ اُن کے گڑھے میں پانی نہیں۔ اگر لاؤدیقیہ فقط اپنے دلوں پر ہونے والی دستک کا جواب دے تو خداوند اُنہیں گڑھے سے اوپر نکال لے گا، کیونکہ اتوار کے قانون پر آزمائش کی مہلت ختم ہونے تک وہ ”امید کے قیدی“ ہیں۔

اما دربارهٴ تو نیز، بہ خون عہد تو، اسیرانت را از چاہی کہ در آن آب نیست رہا ساخته‌ام. ای اسیران امید، بہ دژ استوار بازگردید؛ امروز نیز اعلام می‌کنم کہ بہ تو دوچندان بازخواہم گردانید.
زکریا ۱۲:۱۰، ۱۳

9/11 پیامی را کہ در سال ۱۹۸۹ رسید، توان بخشید. آن پیام، پیامِ فرشتہٴ سوم است؛ اما در ساختار و اصطلاحات جنبش اصلاحی میلری، سال ۱۹۸۹ زمان آمدن فرشتہٴ اول را مشخص کرد. پیام فرشتہٴ اول در ۱۱ اوت ۱۸۴۰ بہ واسطہٴ تحقق نبوتی دربارهٴ اسلام قوت یافت، و این امر نشان می‌دهد کہ آمدن فرشتہٴ سوم در سال ۱۹۸۹ نیز بہ واسطہٴ تحقق نبوتی دربارهٴ اسلام توان خواہد یافت.

ہنگامی کہ نبوت اسلام در ۱۱ اوت ۱۸۴۰ تأیید شد، فرشتہٴ مکاشفہ ۱۰ نزول کرد و بدین سان نزول فرشتہٴ مکاشفہ ۱۸ را در ۱۱ سپتامبر بہ صورت نمادین پیش‌نمون ساخت. اقتداربخشی بہ فرشتہٴ اول در ۱۸۴۰، و اقتداربخشی بہ فرشتہٴ دوم در ۱۸۴۴، ہر دو اقتداربخشی بہ فرشتہٴ سوم را در ۱۱ سپتامبر بہ صورت نمادین پیش‌نمون می‌سازند. ۱۸ ژوئیہ ۲۰۲۰ زمان آمدن فرشتہٴ دوم بود، چنان کہ بہ واسطہٴ نخستین ناامیدی میلری‌ها در ۱۹ آوریل ۱۸۴۴ بہ صورت نمادین پیش‌نمون شدہ بود. تاریخ‌های ہر دو اقتداربخشی فرشتہٴ اول و دوم در تاریخ میلری، و نیز تاریخ اقتداربخشی فرشتہٴ سوم در ۱۱ سپتامبر، ہمگی شواہدی برای اقتداربخشی پیام ندای نیمہ شب فراہم می‌آورند کہ در ژوئیہ ۲۰۲۳ فرا رسید.

د مهر لگولو دورہٴ پہ ۹/۱۱ پیلہری او د یکشنبہٴ پہ قانون پای تہ رسہری. دا ہغہ مہال پیلہری چہ مسیح د وروستی باران خو و خاکی پو کړي، او پہ پنتیکاست کې د اور ژبو پہ نړۍ تہ د یوہ پیغام د لہر دلولو سرہ پای تہ رسہری. پطرس پنتیکاست د یوئیل د نبوت د پورہ کېدو پہ توگہ وپېژاند. خو کہ چہ حقیقت ہمدادۍ، نو دا ثابتہ کوي چہ د مسیح پو کول ہم د یوئیل د نبوت پورہ کېدل وو، خو کہ د پنتیکاست فصل یو ټاکلی پیل او پای لري چہ دا څرگندوي الفا ہماغہ اومی‌گا ده. د مسیح د قیامت پہ ورځ د وریشو د لومړنۍ مہوې نذرانہ وړاندې شوہ، او پن‌خوس ورځې وروستہ پہ پنتیکاست کې د غنمو د لومړنۍ مہوې نذرانہ پورته شوہ. ۹/۱۱ د نیمې شپې فریاد تمثیلوي، ہغہ فریاد چہ د یکشنبہٴ لہ قانون خو لہ مخکې را رسہری او ورته لارہ ہواروي. د زکریا ۹:۹ د نیمې شپې د فریاد د تمثیل بشپړ پورہ کېدل د ۲۰۲۳ کال د جولای لہ میاشتې وروستہ دي.

بسیار شادمان باش، ای دختر صهیون؛ بانگ شادی برآور، ای دختر اورشلیم: اینک پادشاہ تو نزد تو می‌آید؛ او عادل است و نجات با اوست؛ فروتن است و بر الاغی سوار، و بر کرہ الاغ، بچہ الاغ. زکریا ۹:۹.

پس زکریا با نمادپردازی اشعیا موافقت دارد که قوم خدا تاج هستند، اما می‌افزاید که تاج همچنین علم است، آنگاه که نوشت: «زیرا ایشان همچون سنگ‌های تاج خواهند بود، برافراشته چون علمی بر زمین او؛ و زکریا همچنین شادی مرتبط با نمادهای «غله» و «شراب تازه» در کتاب یوئیل را باز می‌تاباند، آنجا که می‌گوید: «غله جوانان را شادمان خواهد ساخت، و شراب تازه دوشیزگان را.» هنگامی که گزارش مستان افرایم را در فصل بیست و هشت بررسی می‌کنیم، توجه داشته باشید که این همان فصل کتاب مقدس است که «آرامی و طراوت» را مشخص می‌سازد. این یکی از اصلی‌ترین بخش‌ها در کتب مقدس دربارهٔ باران آخر است، پس این مستان افرایم باید همان مستانی باشند که یوئیل از آنان سخن می‌گوید.

وای بر تاج تکبر مستان افرایم، که زیبایی باشکوه ایشان گلی پژمرده است، و بر فراز دره‌های پربرکت کسانی قرار دارد که از شراب مغلوب شده‌اند! اینک، خداوند شخصی زورآور و نیرومند دارد، که همچون توفان تگرگ و گردبادی هلاک‌کننده، همچون سیلاب آب‌های عظیم طغیان‌کننده، آن را با دست بر زمین خواهد افکند. تاج تکبر مستان افرایم زیر پا لگدمال خواهد شد؛ و آن زیبایی باشکوه که بر فراز درهٔ پربرکت است، گلی پژمرده خواهد شد، و همچون میوهٔ نوبرانه پیش از تابستان؛ که چون بیننده آن را ببیند، در حالی که هنوز در دست اوست، آن را فرو می‌خورد. در آن روز، بیهوده صیابوت برای باقی‌ماندگان قوم خویش تاج جلال و افسر جمال خواهد بود، و روح داوری برای آن که بر مسند داوری می‌نشیند، و قوت برای آنان که جنگ را تا دروازه باز می‌گردانند. اما اینان نیز به سبب شراب گمراه شده‌اند، و به سبب مسکرات از راه منحرف گشته‌اند؛ کاهن و نبی به سبب مسکرات گمراه شده‌اند، شراب ایشان را فرو بلعیده است، به سبب مسکرات از راه منحرف شده‌اند؛ در رؤیا خطا می‌کنند، و در داوری می‌لغزند. زیرا همهٔ سفره‌ها از قی و پلیدی پر شده است، چندان که هیچ جای پاکی باقی نمانده است. ...

تَوَقَّفُوا وَتَحَبَّرُوا؛ اصْرُخُوا وَاصْبِحُوا: هم سکاری ولکن لیس من خمر؛ یترنحون ولکن لیس من مسکر. لَأَنَّ الرَّبَّ قَدْ سَكَبَ عَلَیْكُمْ رُوحَ سِبَاتٍ عَمِیقٍ، وَأَغْمَضَ عِیُونَكُمْ؛ الْأَنْبِیَاءُ وَرُؤَسَاءُكُمْ، وَالرَّأُوּنُ قَدْ غَطَّاهُمْ. وَصَارَتْ لَكُمْ رُؤْیَا الْكَلِّ كَكَلَامِ سَفَرٍ مَخْتُومٍ، یَدْفَعُونَهُ إِلَى مَنْ هُوَ عَالِمٌ قَائِلِینَ: اقْرَأْ هَذَا، أَرْجُوكَ؛ فِیْقُولُ: لَا أَسْتَطِیعُ، لِأَنَّهُ مَخْتُومٌ. ثُمَّ یَدْفَعُ السَّفَرَ إِلَى مَنْ لَیْسَ بِعَالِمٍ، قَائِلِینَ: اقْرَأْ هَذَا، أَرْجُوكَ؛ فِیْقُولُ: لَسْتُ بِعَالِمٍ.

پس خداوند فرمود: «از آنجا که این قوم با دهان خود به من نزدیک می‌شوند و با لب‌های خویش مرا تکریم می‌کنند، اما دل خود را از من دور ساخته‌اند، و ترس ایشان از من تعلیمی است که از فرمان انسان آموخته شده است؛ بنابراین، اینک من بار دیگر در میان این قوم عملی شگفت‌انگیز، آری، عملی شگفت‌انگیز و حیرت‌آور به‌جا خواهم آورد؛ زیرا حکمت حکیمان ایشان نابود خواهد شد، و فهم فهیمان ایشان پنهان خواهد گردید. وای بر آنان که در ژرفا می‌کوشند تا مشورت خود را از خداوند پنهان سازند، و اعمالشان در تاریکی است، و می‌گویند: کیست که ما را ببیند؟ و کیست که ما را بشناسد؟ یقیناً واژگون ساختن امور از سوی شما همچون گل کوزه‌گر به شمار خواهد آمد؛ زیرا آیا ساخته دربارهٔ سازنده خود خواهد گفت: او مرا نساخت؟ یا آیا آنچه پرداخته شده است دربارهٔ پردازنده خود خواهد گفت: او فهمی نداشت؟» اشعیا 28:1-8؛ 29:9-16.

خداوند در میان مستان افرایم «عملی شگفت‌انگیز» به‌جای خواهد آورد، آنگاه که حکمت و فهم را از ایشان برمی‌گیرد؛ همان دو عنصری که با درک فزونی معرفت، هنگامی که پیامی نبوی مهرگشایی می‌شود، پیوند دارند. این حکیمان اند که می‌فهمند. بخشی از آن «عمل شگفت‌انگیز» آن است که معرفتی را که شیر سبط یهودا از مهر آن می‌گشاید، از اذهان مستان افرایم برمی‌دارد. جدایی میان حکیمان و شریران بخشی از «عمل شگفت‌انگیز» خداوند است. این همان انجیل جاودان است. پس از آنکه مسیح یهودیان جدل‌پیشه را از طریق مثل تالکستان هدایت کرد و بدین‌سان آنان را در دام انداخت تا خود حکم خویش را بر زبان آورند، پرسشی از مزمو ۱۱۸ مطرح کرد:

سنگی را که معماران رد کردند، همان سنگِ سرِ زاویه شده است. این از جانب خداوند است؛ و در نظر ما شگفت‌انگیز است. این است روزی که خداوند آن را پدید آورده است؛ در آن شادی خواهیم کرد و مسرور خواهیم شد. مزامیر 22:118-24.

خداوند بنا دارد «کاری شگفت‌انگیز و امری حیرت‌آور» را بر مستان افرایم به انجام رساند، و این شامل سلب توانایی آنان برای شناخت حقیقت نیز می‌گردد. «سنگِ سرِ زاویه» در نظر کسانی که «شراب تازه»ی یوئیل را در اختیار دارند، شگفت‌انگیز است.

مستان را یارای آن نیست که کتابِ مَهرشده را بخوانند، خواه رهبری‌ای باشند که به عنوان «دانایان» نمایانده شده‌اند، یا عامه مؤمنان که به وسیله «نادانان» بازنموده شده‌اند. برای مستان محال است که شهادتِ نبوی کتب مقدس را، که به صورت «کتابِ مَهرشده» تصویر شده است، به درستی درک کنند. مستان همچنین دو بار به عنوان کسانی شناسانده شده‌اند که «از راه منحرف شده‌اند». بار دیگر این امر در اشعیا بیست‌وهشت ثبت شده است، که از برجسته‌ترین مقاطع کلام مقدس درباره باران آخر است؛ جایی که اشعیا «آرامش و تازگی» را معین می‌سازد، همان چیزی که مستان حاضر نبودند به آن گوش فرا دهند. «آرامش و تازگی» یک پیام است، زیرا شنیده می‌شود.

آن مستی، می‌خوارگان را از طریق «راه‌های قدیم» ارمیا بیرون کرده است؛ همان «راهی» که باید در آن سلوک کرد و باران آخر را یافت، که ارمیا آن را به «آرامی» تمثیل می‌کند. رد کردن پیام باران آخر از سوی می‌خوارگان افرایم، موضوعی مشخص در کلام خداست. ایشان مست‌اند، زیرا از بازگشت به تاریخ بنیادی‌ای که نقشه‌الگوی تاریخ یک‌صد و چهل و چهار هزار نفر را فراهم می‌آورد، سر باز زدند؛ تاریخی که همان تاریخ باران آخر است.

آن «عمل شگفت‌انگیز» که بر مستان افرایم واقع می‌شود، در هنگام افاضه باران آخر انجام می‌پذیرد. در طی باران آخر، پیامی امتحان‌کننده دو طبقه از پرستندگان را پدید می‌آورد که با «شرابی» که از آن می‌نوشند به تصویر کشیده شده‌اند. شیریان از آن سر باز زده‌اند که تطبیق نبوتی خود را بر خطوط تاریخ مقدس بنا نهند، و آنان که روش «خط بر خط» اشعیا بیست‌وهشت را به کار می‌گیرند، از «شراب تازه» بهره‌مند می‌شوند. مستی شیریان در ناتوانی ایشان از فهم نبوت آشکار می‌شود، و حالت کوری ایشان از عدم تمایل به بازگشت به راه‌های کهن بنیادی پدید آمده بود. عیسی یهودیان خرده‌گیر را توبیخ کرد و از ایشان پرسید آیا هرگز درباره آن سنگی نخوانده‌اند که رد می‌شود و سرِ زاویه می‌گردد.

का कोने अथवा नीव जसिमै, सत्य भवषियद्वाणीगत वह कहै दर्शाता यह, है बनता सरी का कोने जो पत्थर भवषियद्वाणीगत प्रमुख वह है। भी पत्थर-ओमेगा ही पत्थर-अल्फा है। होता पुनरावृत्त में पत्थर-शखिर पत्थर (है पद्धत की वर्षा पछिली जो (है रखता स्थरि और स्थापति को पद्धत की) पंक्तपर पंक्ति जो, सदिधान्त प्रमुख में आन्दोलन मलिराइट है। करता चतिरति को समाप्त उसकी आरम्भ का वस्तु किसी कहै यह जब हुई तब पुष्ट जसिकी, था सदिधान्त का" लयि के वर्ष एक दिन एक "सदिधान्त भवषियद्वाणीगत भवषियद्वाणीगत प्रमुख में चाल की हजार चवालीस लाख एक उतरा। स्वर्गदूत का 10 प्रकाशतिवाक्य का 18 प्रकाशतिवाक्य जब हुई तब पुष्ट जसिकी, है करता चतिरति को अन्त आरम्भ कहै यह सदिधान्त उतरा। स्वर्गदूत

کلام نبوی خدا در تبیین عوامل مربوط به باران آخر، بسیار دقیق و مشروح است. یکی از آن حقایق این است که مستان افرایم قادر به تشخیص باران آخر نیستند، و این امر به وسیله یهودیانی که به پطرس القا می‌کردند که شاگردان مست هستند، تمثیل یافته بود. اصل اساسی این روش‌شناسی، بارها در سراسر کلام خدا به صورت مستقیم همچون آلفا و امگا بیان شده است، اما کلام بر ایشان مهر شده است. این روش‌شناسی، قاعده اصلی نبوی، و پیام باران آخر، از جمله مضامین تقدیس‌شده در یک خط تاریخی نبوی هستند که به عنوان «عملی شگفت‌انگیز» نمود یافته است.

باز کلام ربّ الافواج بر من نازل شد و گفت: ربّ الافواج چنین می‌فرماید: من برای صهیون به غیرتی عظیم غیور بوده‌ام، و با خشمی عظیم برای او غیور بوده‌ام. خداوند چنین می‌فرماید: به صهیون بازگشته‌ام و در میان اورشلیم ساکن خواهم شد؛ و اورشلیم شهر راستی نامیده خواهد شد، و کوهِ ربّ الافواج، کوهِ مقدس. ربّ الافواج چنین می‌فرماید: هنوز پیرمردان و پیرزنان در کوچه‌های اورشلیم ساکن خواهند شد، و هر مرد عصای خویش را به سبب کثرتِ سالخوردگی در دست خواهد داشت. و کوچه‌های شهر از پسران و دخترانی که در کوچه‌های آن بازی می‌کنند، پر خواهد شد.

یهوۀ لشکرها چنین می‌فرماید: اگر این امر در نظر باقی‌ماندگان این قوم در این ایام شگفت‌انگیز باشد، آیا در نظر من نیز شگفت‌انگیز خواهد بود؟ یهوۀ لشکرها می‌فرماید: یهوۀ لشکرها چنین می‌فرماید: اینک، قوم خود را از سرزمین مشرق و از سرزمین مغرب نجات خواهم داد؛ و ایشان را خواهم آورد، و در میان اورشلیم ساکن خواهند شد؛ و ایشان قوم من خواهند بود، و من خدای ایشان خواهم بود، در راستی و عدالت. یهوۀ لشکرها چنین می‌فرماید: دست‌های شما قوی باشد، ای شما که در این ایام این سخنان را از دهان انبیا می‌شنوید، همانانی که در روزی بودند که بنیاد خانه یهوۀ لشکرها نهاده شد، تا هیکل بنا شود. زیرا پیش از این ایام، برای انسان مزدی نبود و برای چارپا نیز مزدی نبود؛ و برای آن‌که بیرون می‌رفت یا اندرون می‌آمد، به سبب تنگی و مصیبت، صلحی نبود؛ زیرا من همه مردمان را، هر یک را، بر ضد همسایه‌اش برانگیختم. اما اکنون با باقی‌ماندگان این قوم مانند ایام نخستین رفتار نخواهم کرد، یهوۀ لشکرها می‌فرماید. زکریا ۸:۱-۱۱.

زکریا فرماتا، «تمپارے ہاتھ مضبوط ہوں، اے وہ لوگو جو ان دنوں میں ان باتوں کو ان نبیوں کے منہ سے سنتے ہو، جو اس دن موجود تھے جب ربّ الافواج کے گھر کی بنیاد ڈالی گئی، تاکہ ہیکل تعمیر کی جائے۔» خدا کے لوگوں کو جو چیز مضبوط کرتی ہے وہ اس بنیاد کا پیغام ہے جو کونے کے سرے کا پتھر بن جاتی ہے۔ وہ پیغام یہ ہے کہ میلرائٹ تاریخ ایک لاکھ چوالیس ہزار کی تاریخ میں دہرائی جاتی ہے۔

مسیح می‌پرسد: «اگر این امر در این ایام در نظر بقیہ این قوم شگفت‌انگیز باشد، آیا در نظر من نیز شگفت‌انگیز خواهد بود؟» این پرسش، دورہ نبوی «کار شگفت‌انگیز» خدا را کہ موضوع سخن ہر نبی است مشخص می‌سازد؛ اما همچنین زمانی را نیز مشخص می‌کند کہ جنبش لائودیکہ‌ای صد و چہل و چہار ہزار بہ جنبش فیلادلفیای صد و چہل و چہار ہزار تبدیل می‌شود. این همان نقطہ‌ای است کہ ایشان مہر می‌شوند، و همان نقطہ‌ای کہ جنبش از حالت مجاہد بہ حالت ظافر تغییر می‌یابد؛ و نیز همان جاست کہ عمل متحد ساختن الوہیت با انسانیت در میان این گروہ از مردم بہ کمال می‌رسد، آنگاہ کہ مقدسگاہ حقیقتاً تطہیر می‌شود. این امر را می‌توان در آیات بازشناخت، زیرا تاریخ نبوی‌ای کہ بہ وسیلہ «کار شگفت‌انگیز» او بازنمایی می‌شود، در نظر خدا و در نظر بقیہ شگفت‌انگیز است، و «چشم در چشم» نماد یگانگی است. یگانگی‌ای کہ در اینجا بازنمایی شدہ است، ناظر بہ مہر شدن قوم خداست کہ برہ را ہر جا کہ می‌رود پیروی می‌کنند و بہ نقطہ‌ای رسیدہ‌اند کہ حاضرند بمیرند تا گناہ نکنند و شخصیت مسیح را بد معرفی نمایند.

میکاہ تاریخ بنیادین اسرائیل باستان را «چیزهای شگفت‌انگیز» توصیف می‌کند.

مطابق ان دنوں کے جب تو ملک مصر سے نکلا تھا، میں اُسے عجیب چیزیں دکھاؤں گا۔ میکاہ 7:15.

«کارهای شگفت‌انگیز» همان تاریخ بنیانی است کہ «شگفت‌انگیز» خوانده می‌شود، زیرا آن تاریخ بنیانی در تاریخ پایانی تکرار می‌گردد؛ تاریخی کہ بہ وسیلہ سنگ سر زاویہ نمایان شدہ است. «کارهای شگفت‌انگیز» آن تاریخی است کہ با سنگ زاویہ آغاز می‌شود و با «سنگ سر زاویہ» پایان می‌یابد. «کارهای شگفت‌انگیز» او در تاریخ موسی آشکار شد و در تاریخ مسیح تکرار گردید. موسی سنگ زاویہ بود و مسیح سنگ سر زاویہ. موسی بہ‌طور نبوی آلفا است و مسیح امگا.

«از موسی، همان آلفای تاریخ کتاب مقدس، آغاز کرده، مسیح در تمامی کتب مقدسه امور مربوط به خویشتن را تفسیر نمود.» آرزوی اعصار، ۷۹۷.

موسیٰ نے تعلیم دی، اور پطرس نے پینتیکوست کے دن موسیٰ کے الفاظ استعمال کر کے یہ واضح کیا کہ موسیٰ مسیح کا نمونہ تھا۔

لیکن اُن باتوں کو، جنہیں خدا نے اپنے سب نبیوں کی زبانی پہلے سے ظاہر کیا تھا کہ مسیح دکھ اٹھائے گا، اُسی نے یوں پورا کیا۔ پس توبہ کرو اور رجوع لاؤ تاکہ تمہارے گناہ مٹا دیے جائیں، جب خداوند کے حضور سے تازگی کے زمانے آئیں؛ اور وہ یسوع مسیح کو بھیجے، جو پہلے سے تمہارے لیے منادی کیا گیا تھا؛ جیسے آسمان کا اپنے اندر لیے رہنا ضروری ہے اُس وقت تک جب سب چیزوں کی بحالی کے زمانے آئیں، جن کی بابت خدا نے ازل سے اپنے سب مقدس نبیوں کی زبانی فرمایا ہے۔ کیونکہ موسیٰ نے باپ دادا سے سچ مچ کہا، خداوند تمہارا خدا تمہارے بھائیوں میں سے تمہارے لیے ایک نبی میری مانند برپا کرے گا؛ جو کچھ وہ تم سے کہے، تم سب باتوں میں اُس کی سننا۔ اور یوں ہوگا کہ جو جان اُس نبی کی نہ سنے گی، وہ قوم میں سے نیست و نابود کر دی جائے گی۔ بلکہ سموئیل سے لے کر اُن سب نبیوں تک جو اُس کے بعد آئے، جتنوں نے بھی کلام کیا، انہوں نے بھی ان دنوں کی پیشین گوئی کی ہے۔ اعمال 3:18-24.

این کہ موسیٰ به عنوان آلفا و مسیح به عنوان اُمگا مطرح شده اند، به واسطهٔ دومین شهادت پطرس دربارهٔ موسیٰ در ریزش پنتیکاستی تثبیت گردید؛ و پطرس با این کار تأکید می‌ورزد و مشخص می‌سازد که یکی از مؤلفه‌های اصلی پیام باران آخر (و مجادله‌ای که بر ضد آن برانگیخته می‌شود) اصل نبوی «آلفا و اُمگا» است. این اصل، همتای اصل سیال/روز برای صد و چهل و چهار هزار نفر در تاریخ میلریتی است. اصل «آلفا و اُمگا» همان اصل «پی به سنگ سرزایه تبدیل می‌شود» است؛ همان اصول «موسی و بره» است؛ و از این رو به وسیلهٔ الهام به عنوان یکی از آیات در سرود تاکستان شناخته می‌شود، که همان سرود موسی و بره نیز هست.

آغاز و انجامی که به وسیلهٔ خطوط گوناگون نبوی به تصویر کشیده شده است، تاریخ وقوعی را نمایان می‌سازد که در آن خدا «اعمال شگفت‌انگیز» خود را به انجام می‌رساند؛ و این همان نوری است که از تشخیص آنچه نما «اعمال شگفت‌انگیز» بیانگر آن است، پدید می‌آید و یک لائودیکیه‌ای را به فیلا دلفیایی تبدیل می‌کند، و بدین سان او سنگی در هیکلی می‌گردد که در حال بنا شدن است، همان گونه که هیکل میلری در طی ۴۶ سال بنا شد و به ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ منتهی گردید، هنگامی که خداوند ناگهان به هیکل خود آمد.

اگر واقعاً چشیده‌اید که خداوند کریم است. و چون به سوی او می‌آیید، به سوی آن سنگ زنده که هرچند از جانب مردم مردود شد، اما نزد خدا برگزیده و گران‌بهاست، شما نیز همچون سنگ‌های زنده بنا می‌شوید تا خانه‌ای روحانی و کهان‌تی مقدس باشید، تا قربانی‌های روحانی بگذرانید که به واسطهٔ عیسی مسیح نزد خدا پذیرفته است. از این رو در کتاب نیز آمده است: «اینک در صهیون سنگ زاویه‌ای اصلی می‌نهم، برگزیده و گران‌بها؛ و هر که به او ایمان آورد، هرگز سرافکنده نخواهد شد.» پس برای شما که ایمان دارید، او گران‌بهاست؛ اما برای آنان که نافرمان اند، «همان سنگی که بناکنندگان مردود شمردند، همان سر زاویه شده است»، و نیز «سنگی برای لغزش و صخره‌ای برای عثار»؛ یعنی برای آنان که در کلام می‌لغزند، چون نافرمان اند؛ و برای همین نیز مقرر شده بودند. اما شما نسل برگزیده، کهان شاهانه، امت مقدس، و قومی خاص هستید، تا فضایل او را اعلام کنید که شما را از ظلمت به نور شگفت‌انگیز خویش فراخوانده است؛ شما که زمانی قوم نبودید، اما اکنون قوم خدایید؛ شما که رحمت نیافته بودید، اما اکنون رحمت یافته‌اید. اول پطرس ۳:۱-۱۰.

دعا شدن به نور عجیب او زمان این دعوت را مشخص می‌سازد، زیرا نشانهٔ راه ۱۸۸۸، که بنا بر الهام با شورش قورح در تاریخ آلفای موسی منطبق است، هنگامی که به ایام آخر آورده می‌شود با ۱۱ سپتامبر هم‌راستا می‌گردد؛ زمانی که پیام لائودیکیه مطابق الهام همراه با فرشتهٔ سوم می‌رسد. لائودیکیان در نبوت «کور» هستند، یعنی در تاریکی‌اند، و دعوت به بیرون آمدن از تاریکی از هنگامی آغاز شد که پیام لائودیکیه در ۱۸۵۶، ۱۸۸۸ و ۱۱ سپتامبر رسید. در ۱۱ سپتامبر، «دعوت به بیرون آمدن از تاریکی» نه فقط دعوتی برای درک نور فرشتهٔ مکاشفه هجده بود، بلکه همچنین دعوتی بود برای شنونده تا به همان تاریخی داخل شود که در آن «اعمال شگفت‌انگیز» خدا به کامل‌ترین تحقق‌های خود خواهند رسید.

در طول سه دههٔ گذشته بارها نشان داده شده است که تعریف نبوی «انجیل جاودان» تاریخی است که در آن یک حقیقت نبوی مهرگشایی می‌شود و فرایند آزمایشی سه‌مرحله‌ای را آغاز می‌کند، با دو ویژگی متمایز در این سه آزمون. دو آزمون نخست از حیث ماهیت با آزمون سوم متفاوت‌اند، زیرا آزمون سوم محک آشکارسازی است که نشان می‌دهد آیا از آزمون اول و دوم کامیاب بیرون آمده‌اید یا نه. تمایز دیگر در انجیل جاودان آن است که برای درگیر شدن با آزمون پس از آن، باید از آزمون جاری سربلند عبور کنید.

تاریخ «اعمال شگفت‌انگیز» همچنین همان تاریخی است که در آن «انجیل جاودانی» به اوج خود می‌رسد، زیرا ساعت دآوری که فرشتهٔ اول آن را اعلام می‌کند و به‌عنوان انجیل جاودانی شناخته می‌شود، کمال تحقق خود را از 9/11 آغاز می‌کند. دآوری‌ای که میلی‌ها دربارهٔ آن هشدار داده می‌شدند، 22 اکتبر 1844 بود، هنگامی که در مثل ده باکره در بسته شد؛ و بدین‌سان، به‌صورت نمادین به قانون یکشنبه اشاره داشت، زمانی که در مثل ده باکره بار دیگر در بسته می‌شود. 9/11 اعلام می‌کند که ساعت دآوری اجرایی خدا در قانون یکشنبه آغاز می‌شود، همان‌گونه که میلی‌ها اعلام کردند که ساعت دآوری تحقیقی در 22 اکتبر 1844 آغاز شد.

له ۹/۱۱ خ‌خه تر قانون یک‌شنبه پورې هغه دوره ده چې د «خدای عجایب اعمال» په توګه تمثیل شوې ده؛ او هماغسې لکه هغه بنسټ‌یزه ډبره چې «د کونج سر» ګرځي؛ او هماغسې لکه «د پنتیکوست موسم»؛ او هماغسې لکه «د حقوق دویم فصل»؛ او هماغسې لکه «د یو سل او څلور څلوېښت زرو د مهر کولو وخت»؛ او هماغسې لکه «د حیوان د ان‌ځور د ازمایښت وخت»؛ او هماغسې لکه «ابدی انجیل»؛ او هماغسې لکه «د ۱۸۴۰ څخه تر ۱۸۴۴ پورې سپېڅلی تاریخ»؛ او هماغسې لکه د «مکاشفې لسم فصل» تاریخ؛ او هماغسې لکه «له مسیح د بېتسمې څخه تر د هغه د مرګ پورې تاریخ».

تاریخی که در یک فراکتال به‌وسیلهٔ تعمید او بازنمایی شد، دورهٔ ۲۵۲۰ روزه‌ای را آغاز کرد که بر صلیب پایان یافت. تعمید مسیح نمایانگر مرګ، دفن و رستاخیز او بود، که به‌طور لفظی در پایان ۱۲۶۰ روز تحقق یافت.

هنگامی که روح‌القدس در تعمید مسیح نازل شد، این امر نزول فرشتهٔ مکاشفهٔ هجده را در 9/11 به‌طور نمادین پیش‌نمایی می‌کرد. 1260 روز نبوتی بعد، رویدادهایی که به‌وسیلهٔ تعمید نمادپردازی شده بودند، به‌طور واقعی بر صلیب تحقق یافتند. تاریخ از تعمید تا صلیب، دربرگیرندهٔ یک تاریخ الفای نمادین است که در پایان آن دوره به‌طور واقعی تحقق می‌یابد. تاریخ‌های آلفا و امگا، فراکتال‌هایی از کل تاریخ جامع هستند. تاریخ از تعمید تا صلیب «اعمال شگفت‌انگیز خدا» است، و آن تاریخ همچنین به‌وسیلهٔ «تعمید مسیح» و نیز به‌وسیلهٔ «مرګ، دفن و رستاخیز» حقیقی او بازنمایی می‌شود، و بنابراین نیز به‌وسیلهٔ «تعمید اسرائیل باستان در دریای سرخ» و نیز به‌وسیلهٔ «تعمید هشت جان در خلال تاریخ نوح». همهٔ این دوره‌ها نمایانگر تاریخ «اعمال شگفت‌انگیز» او هستند.

در خصوص عدد ۸ به عنوان نماد رستاخیز، آن هشت جان حاضر در کشتی نخستین ذکرى هستند که از عدد ۸ به عنوان نماد به میان می‌آورند، و بر پایه قاعده نخستین ذکر، تمامی جزئیات نبوی در همان نخستین ذکر نهفته است. آن هشت جان از زمین کهنه به زمینی نو می‌گذرند، آیا چنین نیست؟

آن هشت نفس در زمان باران زنده ماندند، اما همه کسانی که پیام هشدار باران را رد کردند، مردند، درست است؟ آن «هشت» نفسی که به زمین جدید می‌روند و با تاریخ پیام هشدار رد شده، در بسته، باران، و زمین جدید نمایانده شده‌اند، از یک تغییر تدبیری از جهان قدیم به جهان جدید عبور کردند.

تغییر تدبیری که آن هشت جان را که همان صد و چهل و چهار هزار هستند مشخص می‌سازد، گذار از لائودیکیه به فیلادلفیه است؛ و این همچنین گذار از کلیسای مجاهد، مرکب از گندم و کرکاس، به کلیسای ظافر است که تنها از پیشکش گندم نوبرانه تشکیل شده و همچون پیشکشی برافراشته می‌شود تا برای تمامی جهان دیدنی باشد، همانند تماشای قایقی تنها بر آب‌های طوفانی. آن مردم همان ۸ هستند که از ۷ است، و تاریخ عبور کشتی و عبور دریای سرخ، هر دو، تمثیل‌هایی از «اعمال شگفت‌انگیز» او هستند.

آنان جان‌هایی هستند که در تحقق مکاشفه ۱۱:۱۱ قیام کردند. ایشان قوم عهد خدا هستند، که به وسیله پدرشان ابراهیم نمایانده می‌شوند؛ همان که نشان عهد را از راه ختنه، که می‌بایست در روز هشتم انجام می‌گرفت، بر خود داشت.

تمام این خطوط نمایانگر همان دوره زمانی‌اند، و آن دوره زمانی با بنیان‌های ۱۱/۹ آغاز می‌شود و به قانون یکشنبه پایان می‌یابد. ۱۱/۹ سنگ بنیاد است و قانون یکشنبه سنگ سرزایه. در تاریخ بازسازی اورشلیم در زمان نحمیا و عزرا، پی در جریان تاریخ فرمان نخست تکمیل شد و خود هیکل بسیار پیش از فرمان سوم به اتمام رسید. در تاریخ میلریتی، بنیان‌ها در مه ۱۸۴۲، هنگامی که نمودار ۱۸۴۳ منتشر شد، برقرار گردید. هیکل میلریتی قرار بود چهل‌وشش سال در حال برپا شدن باشد، از ۱۷۹۸ تا ۱۸۴۴. پیش از ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴، هیکل میلریتی به اتمام رسیده بود، و سنگ سرزایه فریاد نیمه‌شب بود. هنگامی که فریاد نیمه‌شب در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ به پایان رسید، آلفا و فرمان سوم ۴۵۷ ق.م. با همتای خود در امگای ۱۸۴۴ تلاقی کرده بود: ۴۵۷ ق.م. به عنوان آلفای ۲۳۰۰ سال، و ۱۸۴۴ به عنوان امگا. هر دو در یک سطح یکسان‌اند، زیرا فرمان یا فرشته هر دو پیام‌اند، و هر دو قانون یکشنبه را نمونه‌وار می‌سازند، جایی که فرمانی صادر خواهد شد و جایی که پیام فرشته سوم به فریادی بلند فزونی خواهد یافت.

از سال ۴۵۷ پیش از میلاد تا ۴۰۸ پیش از میلاد، چهل‌ونه سال از سوی دانیال به عنوان دوره‌ای تعیین شده بود که در آن یهودیان بنای خود را به پایان می‌رسانند: «کوچه دوباره بنا خواهد شد، و حصار نیز، حتی در زمان‌های سخت.»

پس بدان و آگاه باش که از زمان صدور فرمان برای بازسازی و بنای دوباره اورشلیم تا مسیح رئیس، هفت هفته و شصت و دو هفته خواهد بود؛ کوچه و حصار دوباره بنا خواهند شد، هرچند در زمان‌های سخت. دانیال ۹:۲۵

۴۵۷ قبل از میلاد و ۱۸۴۴، آلفا و امگای نبوت ۲۳۰۰ ساله‌اند. هر دوی آن‌ها به طور نمادین قانون یکشنبه را مجسم می‌سازند، زیرا چون آلفا و امگا یکی هستند، و ناامیدی ۱۸۴۴ به وسیله الهام با ناامیدی صلیب هم‌راستا شده است. اگر ۱۸۴۴ نمونه صلیب باشد، و چنین هست، پس همتای آلفای آن (۴۵۷ قبل از میلاد) نیز چنین است. ۱۸۴۴ تا ۱۸۶۳ فرایند آزمون فرشته سوم را به تصویر می‌کشد. آن فرایند آزمون با ۴۹ سال میان فرمان سوم، فرمان قانون یکشنبه، و تکمیل کار کوچه و دیوار که در زمان مصیبت انجام می‌پذیرد، نمایش داده شده است.

از ۴۵۷ ق.م. تا ۴۰۸ ق.م. تاریخ آلفای ۲۳۰۰ سال است که تاریخ اومگای ۱۸۴۴ تا ۱۸۶۳ را به تصویر می‌کشد. این دو تاریخ، تاریخ صد و چهل و چهار هزار را پس از آن که در هنگام قانون یکشنبه مهر می‌شوند تا هنگام بسته‌شدن مهلت آزمایش بشر، ترسیم می‌کنند. کار صد و چهل و چهار هزار این است که مردان و زنان را به «راه‌های قدیم» بازخوانند؛ همان که اشعیا آن را به صورت بازسازی ویرانه‌های کهن به تصویر می‌کشد، و ارمیا آن را راهی معرفی می‌کند که به پیام باران آخر می‌انجامد. «حصار» همان شریعت خداست که صد و چهل و چهار هزار آن را برای تمامی جهان همچون علمی نمایان خواهند ساخت. این در ایام دشوار وای سوم اسلام روی خواهد داد، زیرا این اسلام است که امت‌ها را به خشم می‌آورد. این کار و این ایام دشوار ادامه می‌یابد تا میکائیل برخیزد.

لٰهٰذا، اگر آپ یہ دیکھ سکتے ہیں کہ 457 قبل مسیح سے 408 قبل مسیح تک ایک نبوی مدت تھی جو تیسرے فرمان سے شروع ہوئی، اور اس نے ایک ایسی نبوی مدت کی تمثیل پیش کی جو 1844 میں تیسرے فرشتہ کی آمد کے ساتھ شروع ہوئی اور 1863 میں اختتام کو پہنچی، تو پھر آپ یہ بھی دیکھ سکتے ہیں کہ 2300 سالہ نبوت کے ساتھ ان کا تعلق—خواہ نقطہ آغاز کے طور پر ہو یا نقطہ اختتام کے طور پر—انہیں ایک دوسرے کے تعلق میں الفا اور اومیگا کے طور پر متعین کرتا ہے۔ نجمیہ کے پُر آشوب اوقات اُس پُر آشوب زمانے کی مثال ہیں جو خانہ جنگی تک پہنچنے سے پہلے اور اُس سمیت واقع ہوا۔ الفا کی تاریخ میں انچاس سال کی مدت اومیگا کی تاریخ میں انیس سالہ مدت کی نمائندگی کرتی ہے۔ یہ انیس سالہ مدت یسعیاہ کی 65 سالہ نبوت کے آغاز میں آنے والے انیس برسوں سے بھی ممثل کی گئی تھی۔

زیرا سر آرام، دمشق است، و سر دمشق، رّصین؛ و در ظرف شصت و پنج سال، آفرایم چنان شکستہ خواهد شد کہ دیگر قومی نباشد. اشعیا ۷:۸

اشعیا این نبوت را در سال ۷۴۲ پیش از میلاد بیان کرد، و ۱۹ سال بعد، در سال ۷۲۳ پیش از میلاد، پادشاهی شمالی برای ۲۵۲۰ سال به اسارت برده شد که در سال ۱۷۹۸ پایان یافت. این ۱۹ سال از ۷۴۲ پیش از میلاد تا ۷۲۳ پیش از میلاد، یا ۱۹ سال از ۱۸۴۴ تا ۱۸۶۳ منطبق است؛ زیرا نوزده سال نخست، آلفای این نبوت است و نوزده سال آخر، اومگای آن. در این تاریخ ۱۹ ساله، اخاز پادشاه شیر، به وسیله اشعیا با پیام باران آخر، که در آیه هشت به صورت پیام «هفت زمان» نمود یافته است، روبه‌رو شد. اخاز این پیام را رد کرد، همان‌گونه که ادونتیسم میلری لائودیکیه‌ای نیز در سال ۱۸۶۳ آن را رد نمود.

در آن دوره، کاهن اعظم آحاز به آشور رفت، طرح معبد بت‌پرستانه آنان را با خود بازآورد، و آحاز فرمان داد آن را در صحن معبد خدا بنا کنند. این خط به موازات داستان آن نبی نافرمان است که نباید از همان راهی که آمده بود به یهودا بازمی‌گشت، اما بازگشت و به وسیله نبی‌ای کاذب و دروغ‌گو فریب خورد؛ و این نمایانگر بازگشت به روش‌شناسی پروتستانی مرتدانه است تا از فهم میلری «هفت زمان» پنهان شوند، در تحقق کلاسیک این سخن که سگی به قی خود بازمی‌گردد.

این در حالی رخ می‌داد که جنگی داخلی میان پادشاهی شمالی و پادشاهی جنوبی در شرف آغاز بود؛ و بدین‌سان، نمونه‌وار بر جنگ داخلی در ایالات متحده دلالت می‌کرد، آنگاه که دوره ۱۹ ساله تکرار شد. BC 742 تا BC 723 نمایانگر دوره ۱۹ ساله 1844 تا 1863 است، که نماینده فاصله زمانی از قانون یکشنبه تا بسته‌شدن زمان آزمون است. تاریخ 9/11 تا قانون یکشنبه، تاریخ آزمون تصویر وحش در درون ایالات متحده است، که در آزمون جهانی تصویر وحش، که از قانون یکشنبه آغاز می‌شود، تکرار می‌گردد. از این رو، دوره‌های ۱۹ ساله‌ای که از قانون یکشنبه تا بسته‌شدن زمان آزمون را نمایندگی می‌کنند، همچنین نمایانگر تاریخ 9/11 تا قانون یکشنبه نیز هستند، که همان تاریخ «اعمال شگفت‌انگیز» اوست.

ما این بحث را در مقاله بعدی ادامه خواهیم داد.

اور کلام خداوند مجھ پر نازل ہوا کہ، اے ابن آدم، یہ کیا مثل ہے جو تمہارے پاس اسرائیل کی سرزمین میں مشہور ہے کہ، دن طول پکڑتے جاتے ہیں اور ہر رویا باطل ٹھہرتی ہے؟ پس اُن سے کہہ دو، خداوند خدا یوں فرماتا ہے: میں اس مثل کو موقوف کر دوں گا، اور وہ اسے اسرائیل میں پھر مثل کے طور پر استعمال نہ کریں گے؛ بلکہ اُن سے کہو، دن نزدیک ہیں اور ہر رویا کی تکمیل بھی۔ کیونکہ اسرائیل کے گھرانے کے درمیان نہ کوئی باطل رویا باقی رہے گی اور نہ خوشامدی فالگیری۔ اس لیے کہ میں خداوند ہوں: میں کلام کروں گا، اور جو کلام میں کہوں گا وہ پورا ہو جائے گا؛ اُس میں پھر تاخیر نہ ہوگی؛ کیونکہ اے سرکش گھرانے، تمہارے ہی دنوں میں میں یہ کلام کہوں گا اور اسے پورا بھی کروں گا، خداوند خدا فرماتا ہے۔

باز کلام خداوند بر من نازل شد و گفت: ای پسر انسان، اینک اہل خاندان اسرائیل می گویند: رؤیایی کہ او می بیند برای روزهای بسیار آینده است، و او درباره زمان های دور نبوت می کند۔ پس بہ ایشان بگو: خداوند یہوہ چنین می فرماید: دیگر هیچیک از سخنان من بہ تأخیر نخواہد افتاد، بلکہ کلامی کہ گفتہ ام بہ انجام خواہد رسید، می فرماید خداوند یہوہ۔ حزقیال ۱۲: ۲۸۔